

Validation of International Commercial Agreement on Choice of Court in Global Instruments

(Article Type: Original Research)

Farhad Iranpour¹, Sayyed Hossein Asadi^{*2}

Abstract

Choosing a method of resolving disputes is one of the challenges for Businesses in advancing international Commercial Contracts. Because, usually, the international nature of a contract creates parallel proceeding, the occurrence of the phenomenon of conflict of jurisdictions, and ultimately, the issuance of conflicting judgments and the difficulty of enforcing foreign judgments. The arbitration agreement has alleviated some of these concerns; that method also has, however, its drawbacks. One of the solutions for traders to prevent this situation is to specify the choice of court clause in the contract. However, is such a term legally valid at the global level? If so, in which international source or sources are the objective examples given? What conditions do these sources consider for such an agreement to be reached? The fact is that following the prevalence of this clause in International Commercial Contracts, the legal society has also decided to codify this custom. However, these sources are numerous and scattered and therefore, sometimes, remain unknown. Also, the multiplicity of resources, in itself, will lead to conflict among them. Accordingly, in the present article, after explaining the basics of the jurisdiction agreement, the accurate introduction and evaluation of the international sources overseeing it, and, finally, the solutions to resolve the conflict among these sources are mentioned. This research is based on library sources and the descriptive-analytical method.

Keywords: Jurisdiction clause, Exclusive Jurisdiction, Hague Convention, Transport Law, Party Autonomy, Overriding Rules, Conflict of Instruments

1. Associate Professor, faculty of law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

2. Ph.D. Student in Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. Corresponding Author: s.hosseinasadi@ut.ac.ir

جایگاه توافق بر انتخاب دادگاه در قراردادهای تجاری بین‌المللی

(نوع مقاله: علمی پژوهشی)

فرهاد ایرانپور^۱، سیدحسین اسعدی^{۲*}

چکیده

انتخاب شیوه حل و فصل اختلاف و نحوه اجرای آن، یکی از چالش‌های پیش‌روی بازرگانان در زمان اجرای قراردادهای تجاری بین‌المللی است. چه، به طور معمول و در بادی امر، بین‌المللی بودن یک قرارداد، ایجاد صلاحیت موازی، وقوع پدیده تعارض دادگاه‌ها و در نهایت، صدور احکام متعارض و دشواری اجرای احکام خارجی را در پی دارد. موافقت‌نامه رجوع به داوری تا اندازه‌ای از این نگرانی‌ها کاسته است؛ هرچند این شیوه نیز ایرادات مختص به خود را دارد. یکی از راهکارهای بازرگانان برای پیش‌گیری از این وضعیت، افزودن شرط انتخاب دادگاه صالح به قرارداد است. منتها، آیا چنین شرطی در سطح بین‌المللی از جنبه حقوقی اعتبار دارد؟ چه، صلاحیت دادگاه منتخب و اجرای حکم آن وابسته به اعتبار چنین توافقی است. در صورت مثبت بودن پاسخ، مصداق عینی آن کدام منبع یا منابع بین‌المللی است؟ این منابع چه شرایطی را برای تحقق چنین توافقی در نظر می‌گیرند؟ واقعیت آن است که به دنبال رواج این شرط در قراردادهای تجاری بین‌المللی، جامعه حقوقی نیز بر آن شده است تا این عرف تجاری را در قالب عهدنامه‌های بین‌المللی مدون سازد. منتها، این منابع متعدد و پراکنده بوده و به همین جهت، گاه، ناشناخته مانده است. افزون بر این، تعدد منابع، به خودی خود، تعارض میان آنها را نیز در پی خواهد داشت. بر این اساس، در مقاله حاضر، پس از تبیین مبانی شرط انتخاب دادگاه صالح، به معرفی و ارزیابی دقیق منابع بین‌المللی ناظر بر آن و در نهایت، راهکارهای رفع تعارض میان این منابع اشاره شده است. نگارش این تحقیق بر مبنای منابع کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

واژگان کلیدی: شرط صلاحیت قضایی، صلاحیت انحصاری، عهدنامه لاهه، حقوق

حمل و نقل، اصل حاکمیت اراده، قواعد آمره، تعارض اسناد

۱. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. نویسنده مسئول
s.hosseinasadi@ut.ac.ir.

درآمد

نیاز به انعقاد قراردادهای تجاری بین‌المللی مانند بیع و سرمایه‌گذاری، به عنوان یکی از ابزارهای انتقال منابع و ثروت، واقعیتی انکارنشدنی است. قراردادهای بین‌المللی، حتی اگر به بهترین نحو تنظیم شود باز هم ممکن است که در خصوص نحوه اجرای آن اختلاف پیش آید. چه، این گونه از قراردادها با حوزه قضائی بیش از یک کشور ارتباط دارند و در نتیجه ممکن است قرائت متفاوتی از نحوه اجرای آنها رخ دهد. به همین جهت، اگر تنظیم یک قرارداد داخلی نیازمند دقت نظر فراوان است این حساسیت نسبت به قرارداد بین‌المللی دوچندان خواهد بود. حال، چنانچه طرفین از طریق شیوه‌های غیر قضائی حل و فصل اختلاف^۱ به نتیجه مطلوب نرسند و یا همچنان توسط به شیوه قضائی مناسب‌ترین گزینه موجود باشد (رئیسی، ۱۳۸۷: ۱۴۸؛ رضایی، ۱۳۹۴، ص ۳۸۸؛ Zhao, 2005: 89)، ناگزیر از مراجعه به مرجع قضائی صالح خواهند بود. با وجود این، تشخیص دادگاه صالح، خود چالش‌های دیگری را به همراه دارد. چه، به جهت فقدان مرجع قضائی بین‌المللی، وقوع تعارض صلاحیت میان دادگاه‌ها امری معمول است. به بیان بهتر، از یک سو، ممکن است جنبه مثبت این تعارض بروز کند که در پی آن سوء استفاده از حق انتخاب دادگاه^۲ و یا صدور احکام متعارض رخ می‌دهد (Jueptner, 2020: 249).^۳ وانگهی، این احتمال نیز وجود دارد که به جهت افراطی^۴ بودن مبنای صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده، رای صادره در سایر کشورها قابل شناسایی و اجرا نباشد (مقصودی، ۱۳۹۵: ۳۳۴؛ مقصودی، ۱۳۹۶: ۲۲۹). از سوی دیگر، ممکن است در نتیجه تعارض منفی صلاحیت‌ها، استنکاف از احقاق حق^۵ رخ دهد و اشخاص از حق مراجعه به دادگاه^۶ محروم بمانند (Kiestra, 2014: 104).^۷ به

1. Alternative Dispute Resolution (ADR)

2. Forum Shopping

۳. هر چند قاعده دادگاه نامناسب تا اندازه‌ای از این سوء استفاده می‌کاهد لیکن این دکترین ریشه در حقوق کامن‌لا دارد و تابع صلاحیت دادگاه است و در کشورهای حقوق نوشته پذیرفته نشده است. زیرا، این کشورها به کنترل پیشینی و مفروض بودن رعایت تناسب در اعمال معیارهای صلاحیت باور دارند (Brand, 2007: 121). در مقابل، هر چند قاعده ایراد امر مطروحه نیز از رسیدگی موازی و صدور احکام متناقض جلوگیری می‌کند لیکن، اجرای آن به اختیار دادگاه نیست و در بسیاری از کشورهای تابع نظام کامن‌لا به عنوان قاعده مستقل پذیرفته نشده است (Tang, 2014: 147).

4. Exorbitant Jurisdiction

5. Denial of Justice

6. Right of Access to a Court

۷. هر چند در این صورت نیز امکان رسیدگی دادگاه‌ها بر اساس معیار صلاحیت مورد نیاز یا اضطرابی محتمل است (مولایی، ۱۳۷۵: ۱۲۶؛ الماسی و اسعدی، ۱۳۹۸: ۲۰ و ۲۷) لیکن، در خصوص عناصر تحقق آن اتفاق نظر وجود نداشته و حتی اعمال آن مغایر نزاکت بین‌المللی یا هم‌سان با صلاحیت افراطی تلقی شده است (مقصودی، ۱۳۹۷: ۵۳-۵۴).

مجموع عوامل یاد شده ریسک دعوا اطلاق می‌شود که در حقوق تجارت بین‌الملل معاصر مستلزم مدیریت است (Fentiman, 2015: 42).

به جهات یاد شده، چندی است که بازرگانان در زمان انعقاد قراردادهای تجاری بین‌المللی ترجیح می‌دهند که شرط انتخاب دادگاه صالح^۱ را نیز در آن بگنجانند. آنان اعتقاد دارند که این توافق اطمینان حقوقی^۲ و پیش بینی پذیری^۳ را برای آنان به ارمغان می‌آورد (Tang, 2017: 624)؛ دو عاملی که حیات فعالیت بازرگانان در عرصه تجاری را ارتقا می‌بخشد (Von Mehren, 2007: 213). این‌گونه آنان می‌توانند ریسک دعوا را مدیریت کنند (Nishitani, 2016: 311). منتها، این پایان کار نیست. چه، همه این مزایا متوقف بر آن است که شرط صلاحیت قضایی در قراردادهای تجاری بین‌المللی از پشتوانه قانونی برخوردار باشد (سلجوقی، ۱۳۸۷: ۴۸۹). بنابراین، باید دید آیا چنین شرطی در سطح بین‌المللی از اعتبار حقوقی برخوردار است؟ چه، در غیر این صورت، مجوزی برای رسیدگی دادگاه غیر صالح وجود ندارد و بر حکم صادره در سایر کشورها اثری مترتب نخواهد شد. راست است که دادگاه‌ها بر اساس اصل قانون مقر دادگاه^۴، از قواعد داخلی صلاحیت پیروی می‌کنند (Col-lier, 2001: 60) لیکن، با توجه به موضوع بحث که ناظر به قراردادهای تجاری بین‌المللی^۵ است، نه به قوانین ملی کشورها بلکه به اسناد بین‌المللی پذیرفته شده از سوی آنها اشاره خواهد شد. وجود این اسناد یکنواخت، اجرای شروط انتخاب دادگاه را تسهیل و از تفاسیر متفاوت آن نزد محاکم ملی پیشگیری می‌کند و در نهایت، بستر را جهت پذیرش گسترده آن در سطح جهانی فراهم می‌سازد. همچنین، این تحقیق تنها بر منابع حقوق سخت^۶ متمرکز است و به منابع حقوق نرم^۷ جندان نمی‌پردازد. عناصر گوناگونی برای شناسایی بهتر حقوق نرم و تمیز آن از حقوق سخت پیش‌بینی شده که بارزترین آن، فقدان الزام آوری منابع گروه نخست است (شیروی و وکیلی مقدم، ۱۳۹۴: ۲۵۳-۲۵۴). تحلیل موضوع در اسناد منطقه‌ای

1. Choice of court clause
2. Legal Certainty
3. Predictability
4. Lex Fori
5. International commercial contracts
6. Hard Law
7. Soft Law

و یا حقوق ایران نیز مجال دیگری می‌طلبد و در این مقاله نمی‌گنجد. با وجود این، این امر یعنی عدم تطبیق موضوع با مقررات داخلی به معنای کم فایده شدن پژوهش حاضر برای محققان و محاکم ایرانی نیست. چه آنان می‌توانند همچنان منابع مورد بررسی را به عنوان هادی و راهنمایی جامع، موثق و بروز در این موضوع، مورد ارزیابی و مذاقه قرار دهند. افزون بر این، یکی از نتایج قهری تعدد منابع، امکان وقوع تعارض میان آنهاست که اگر پاسخی مناسب برای آن ارائه نشود اجرای مفاد این منابع عملاً عقیم خواهد ماند. بر این اساس، پرسش اصلی این مقاله آن است که آیا توافق انتخاب دادگاه در اسناد بین‌المللی پذیرفته شده است یا خیر؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، شرایط اصلی پذیرش چنین توافقی چیست؟ همچنین، اشاره گذرا به مبنای این توافق و تاریخچه آن نیز در تبیین هرچه بهتر موضوع مفید خواهد بود و مهم‌تر از آن اینکه چگونه می‌توان منبع قابل استناد را در فرض وقوع تعارض میان اسناد یاد شده تعیین نمود؟

بر خلاف آنچه برخی معتقدند (حبیبی مجنده و شایسته، ۱۳۹۹: ۱۲۷)، این موضوع در پژوهش‌های فارسی مسبوق به سابقه است. از این رو، با ارزیابی تحقیقات پیشین معلوم گردیده است که هیچ‌کدام از آنها در این زمینه کامل نیستند؛ بعضی از لحاظ قدیمی شدن مستندات قانونی مورد استفاده (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۴: ۱۱۸) و برخی دیگر از منظر محدود کردن گسترده موضوع به عهدنامه یا قوانین کشور یا اسناد منطقه‌ای خاص (حبیب‌زاده، ۱۳۹۰؛ مافی و ادبی، ۱۳۹۳؛ هاشم‌الحسینی، ۱۳۹۲؛ شایگان، ۱۳۹۷؛ غمامی و صانعیان، ۱۳۹۹) و یا شیوه خاصی از توافق (بختیاروند، ۱۳۸۹؛ مجدکابری و انصاری، ۱۳۹۸). در خصوص برخی از آنها نیز هر سه وجه یاد شده صادق است (نوشادی و حجت‌زاده، ۱۳۹۰؛ مقصودی، ۱۳۸۹). بعضی نیز با وجود «ارتباط عنوانی» از «ارتباط محتوایی» چندان بر خوردار نیستند (باقری، ۱۳۸۶؛ ایروانی و دیگران، ۱۳۹۷). بنابراین، در نوشتار حاضر، علاوه بر بررسی و تحلیل انتقادی همه آنها، تلاش شده است که خلاهای یاد شده نیز بر طرف گردد. شایان ذکر است که این تحقیق بر اساس روش تحلیلی-توصیفی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای است.

۱. با وجود این، در حقوق خارجی تحقیقات ارزنده‌ای حتی به صورت تخصصی در این زمینه انجام شده که در این تحقیق نیز مورد استفاده قرار گرفته است؛ از جمله: (Hartley, 2013؛ Mills, 2018؛ keys, 2020).

۱. مبانی توافق انتخاب دادگاه

در یک تقسیم بندی رایج، صلاحیت قضایی بین‌المللی به سه دسته کلان تقسیم می‌شود: صلاحیت مبتنی بر توافق^۱، صلاحیت مبتنی بر ارتباط^۲ و در نهایت، صلاحیت جهانی^۳ (Hill, 2003: 80). موضوع تحقیق حاضر، نوع نخست صلاحیت بین‌المللی است که با عنوان صلاحیت توافقی نیز از آن یاد می‌شود.

صلاحیت توافقی ریشه در اصل حاکمیت اراده^۴ دارد (Nyggh, 1999: 15) و مبتنی بر این فرض است که اصولاً اشخاص خصوصی درک بهتری از منافع خود دارند و در نتیجه، انتخاب آنها کارآمدی بیشتری را در پی خواهد داشت (Schmon, 2020: 94)؛ تا آنجا که یکی از ویژگی‌های نظام‌های صلاحیتی برتر را پذیرش حاکمیت اراده اشخاص در تعیین دادگاه مناسب می‌دانند (Karayanidi, 2020: 5). همچنین، افزایش حجم معاملات فرامرزی و رواج درج شرط حل اختلاف در قراردادهای نیز در توسعه و تحول توافق انتخاب دادگاه تأثیر شگرفی داشته است (keyes, 2020: 3). با وجود این، باید اذعان نمود که پذیرش گسترده و قطعی حاکمیت اراده در عرصه صلاحیت قضایی مفهومی نوین است (Lith, 2009: 8).^۵ چه، تا چندی پیش صلاحیت قضایی به عنوان چهره‌ای تمام عیار از اعمال حاکمیت دولت‌ها^۶ شناخته می‌شد و بر همین اساس، سپردن سرنوشت آن به اراده اشخاص با مقاومت‌های شدیدی مواجه بوده است (Mills, 2018: 43). لیکن، امروزه با گسترش لیبرالیسم از این حساسیت کاسته شده و اراده اصحاب دعوا جایگاه قابل توجهی یافته است (Mills, 2009: 7). به بیان دیگر، در میانه قرن بیستم میلادی بود که دادگاه‌های آمریکایی و سپس اروپایی تصمیم گرفتند تا در ارزیابی مبانی صلاحیت فقط بر آموزه‌های حقوق عمومی تکیه نکنند و منافع شخصی افراد را نیز در نظر گیرند (Cuniberti, 2017: 141-142). هرچند، این توافق بی‌حد و حصر نیست و بر مبنای حمایت از اқشار آسیب‌پذیر و یا اجرای خط مشی دولت‌ها محدود می‌گردد (Briggs, 2008: 12). در واقع، در عین پذیرش توافق خصوصی اشخاص در تعیین دادگاه صالح، محدودیت‌هایی نیز بر آن وارد

1. Consensual Jurisdiction
2. connected jurisdiction
3. Universal Jurisdiction
4. Party Autonomy

۵. نخستین پرونده‌ای که در این زمینه مورد رسیدگی قرار گرفته است قضیه *Gienar v. Meyer* می‌باشد که مربوط به حوزه حقوق دریایی به عنوان یکی از زمینه‌های تکامل تجارت بین‌الملل است (Mills, 2018: 33).

6. State sovereignty

شده است (Mills, 2018: 209-263) تا از این طریق، نگرانی‌هایی قانونگذاران درباره نقض احتمالی قواعد صلاحیت برطرف شود (O'Brien, 1999: 253). به عنوان نمونه، همانگونه که در ادامه خواهد آمد، توافق بر انتخاب دادگاه در حوزه صلاحیت انحصاری^۱، غیر ممکن (Magnus, 2016: 560) و در خصوص اشخاص نیازمند حمایت، به شدت محدود شده است (Brand, 2014: 245). همچنین، اگر هدف از انعقاد چنین توافقی انحراف از قواعد آمره ماهوی باشد بی‌اعتباری آن مورد تصریح قرار گرفته است (Carr, 2014: 264).

صلاحیت توافقی از دو طریق حاصل می‌شود: نخست، به موجب توافق انتخاب دادگاه که ممکن است به صورت مستقل و یا شرط ضمن قرارداد باشد. دوم، از طریق حضور خوانده^۲ در دادگاه مورد مراجعه خواهان (Hartley, 2009: 16). آدر قسم اخیر، ملاحظات حقوق بشری و تضمین حق دسترسی به عدالت نیز لحاظ شده است.

از سوی دیگر، قرارداد انتخاب دادگاه می‌تواند به یکی از دو وجه انحصاری (یا اجباری)^۴ و یا غیرانحصاری (یا اختیاری)^۵ منعقد شود. در توافق انحصاری، منحصراً بر صلاحیت دادگاه یا دادگاه‌های یک کشور و سلب صلاحیت از سایر دادگاه‌ها توافق می‌شود در حالی که توافق غیرانحصاری مفید نفی صلاحیت از دادگاه غیرمنتخب نیست (Fentiman, 2015: 44)؛ هرچند، اثر بخشی واقعی و کامل صلاحیت توافقی فقط با انعقاد نوع انحصاری آن تحقق می‌یابد. در واقع، توافق انتخاب دادگاه سه اثر اصلی دارد. نخست، اعطای صلاحیت^۶ به دادگاه منتخب؛ دوم، نفی صلاحیت^۷ از دادگاه غیرمنتخب و سوم، لزوم شناسایی و اجرای احکام صادره از دادگاه منتخب در محاکم سایر کشورها (Hartley, 2013: 21)؛ (Van Calster, 2016: 130).

1. Exclusive Jurisdiction

2. Submission by appearance

۳. لازم به ذکر است که ادبیات حقوقدانان در تبیین صلاحیت توافقی، از لحاظ معرفی مقسم آن، متفاوت است. برخی از نویسندگان معتقدند که این صلاحیت یا از طریق توافق حاصل می‌شود یا از طریق حضور خوانده در دادگاه (Briggs, 2015: 14; Magnus, 2016: 583). در مقابل، برخی دیگر اعتقاد دارند که در واقع این تمکین از صلاحیت دادگاه است که یا از طریق توافق طرفین و یا به واسطه حضور خوانده در دادگاه به دست می‌آید (Stone, 2010, p173).

4. Exclusive or Mandatory

5. Non-exclusive or Permissive

6. Prorogation (Conferral) jurisdiction

7. Derogation (Ouster) Jurisdiction

با وجود این، تحقق این آثار مستلزم وجود پشتوانه قانونی برای آنها است. به بیان دیگر، آنچه اهمیت دارد این است که آیا صلاحیت توافقی به عنوان یکی از معیارهای صلاحیت قضایی بین‌المللی در اسناد بین‌المللی پذیرفته شده است؟ و اینکه این اسناد چه شرایطی را برای پذیرش چنین توافقی لازم می‌دانند؟

۲. منابع بین‌المللی توافق انتخاب دادگاه

برخی از نویسندگان معتقدند که موضع حقوق بین‌الملل نسبت به تعیین قواعد صلاحیت دادگاه‌ها کاملاً خنثی است و هیچ منبعی حتی معاهده بین‌المللی نیز در این زمینه وجود ندارد (مقصودی، ۱۳۹۱: ۶۴). با وجود این، در ادامه خواهیم دید که این‌گونه نیست و نه تنها عهدنامه‌های بین‌المللی بسیاری به منظور تبیین قواعد صلاحیت وجود دارد بلکه حاکمیت اراده اشخاص در انتخاب مرجع صالح نیز بخشی از حقوق عرف بین‌المللی در زمینه حل و فصل اختلاف است (Lowenfeld, 1996: 208). در این تحقیق، منظور از بین‌المللی بودن اشاره به موقعیتی است که در آن منابع مورد نظر در روابط دست کم دو کشور لازم‌الاجراست و در عین حال به جهت جنبه جهانی آن، پیوستن کشورهای مختلف به آنها بدون محدودیت جغرافیایی شدنی است. با وجود این، در خصوص توافق انتخاب دادگاه، عهدنامه‌های جهانی متعدد و متنوعی هست که اشاره موردی به آنها موجب سردرگمی خواهد شد. این در حالی است که بیشتر این اسناد یا مربوط به حوزه حقوق حمل و نقل هستند و یا متولی وضع آنها سازمان کنفرانس لاهه بوده است. شایان یادآوری است، اسناد سازمان لاهه به خودی خود در دسته منابع حقوق سخت نمی‌گنجد بلکه تنها با گذراندن فرآیند قانونی به این مهم دست می‌یابد. بنابراین، به منظور تبیین هرچه منسجم‌تر موضوع، مناسب است ارائه مطالب بر اساس دو شق یاد شده انجام شود.

بر این اساس، منابع را به دو دسته عهدنامه‌های حمل و نقل و عهدنامه‌های لاهه تقسیم و سپس بازگویی خواهیم کرد. معرفی منابع معتبر، دست‌کم از جهت شناخت اسناد لازم‌الاجرا در عرصه بین‌المللی اهمیت فراوان دارد؛ چه، علاوه بر تأمین نیاز کاربردی فعالان عرصه تجارت بین‌الملل، زمینه پیرایش خطای برخی از نویسندگان در این باره و پیش‌گیری از گمراهی دیگران را نیز فراهم می‌سازد.

۲-۱. عهدنامه‌های بین‌المللی حقوق حمل و نقل

حمل و نقل بین‌المللی انواع مختلفی دارد و هر نوع آن مشمول کنوانسیون جداگانه‌ای است. به طور معمول، بخشی از مفاد این اسناد به موضوع صلاحیت قضایی بین‌المللی اختصاص دارد. با وجود این، رویکرد کنوانسیون‌های یاد شده نسبت به معیار صلاحیت مبتنی بر توافق یکسان نیست و از وضعیت عدم پذیرش تا پذیرش محدود و مطلق در نوسان است (Hoeks, 2010: 370). چه، همواره یکی از انگیزه‌های اصلی تشکیل توافق انتخاب دادگاه، مراجعه به دادگاهی بوده است که به کمترین میزان مسئولیت متصدی حمل حکم دهد (Watt, 2010: 250). این مبحث را به ترتیب با اشاره به حمل دریایی، هوایی و سپس زمینی آغاز می‌کنیم و در نهایت با حمل ترکیبی به پایان خواهیم رساند.

۲-۱-۱. حمل و نقل دریایی

در زمینه حمل و نقل دریایی، قواعد لاهه^۱ و قواعد لاهه-ویزی^۲ هیچ مقرره‌ای درباره قواعد صلاحیت از جمله صلاحیت توافقی ندارند. با وجود این، درج شرط صلاحیت قضایی در بارنامه‌های دریایی مشمول این قواعد بسیار رایج است. چنین شروطی تا آنجا که برای انحراف از مقررات آمره این قواعد از جمله با هدف کاهش مسئولیت متصدی حمل نباشد از اعتبار حقوقی برخوردار است (Carr, 2014: 250-).^۳ در مقابل، قواعد هامبورگ^۴ مشتمل بر مقرراتی درباره قواعد صلاحیت است. بر اساس بند پنجم ماده ۲۱ این کنوانسیون^۵، توافق انتخاب دادگاه در صورتی معتبر است

1. International Convention for the Unification of Certain Rules Relating to Bills of Lading, Brussels, 1924 (The Hague Rules).

2. Brussels Protocol amending the Hague Rules relating to Bills of Lading 1968 (Hague-Visby Rules).

۳. چنانچه بارنامه دریایی مشمول قواعد لاهه و یا قواعد لاهه-ویزی نباشد دیگر چنین الزامی وجود ندارد (Carr, 2014: 264).

4. United Nations Convention on the Carriage of Goods by Sea, Hamburg, 1978 (Hamburg Rules).

5. Notwithstanding the provisions of the preceding paragraphs, an agreement made by the parties, after a claim under the contract of carriage by sea has arisen, which designates the place where the claimant may institute an action, is effective.

که پس از وقوع اختلاف منعقد شده باشد (Carr, 2014: 295)؛ بدون اینکه شرایط شکلی خاصی برای آن لازم باشد. حتی این امکان وجود دارد که دادگاه منتخب از میان کشورهای عضو کنوانسیون هامبورگ نباشد (Sparka, 2010: 193). افزون بر این، در بند ب ماده ۶۶ قواعد روتردام^۱ نیز به امکان توافق بر انتخاب دادگاه یکی از کشورهای متعاقد اشاره شده است (Carr, 2014: 304).^۲ شکل این توافق باید به صورت مکتوب باشد که البته قالب الکترونیکی آن نیز پذیرفتنی است. البته، چنین توافقی به معنای سلب صلاحیت از سایر دادگاه‌های صالح در کنوانسیون روتردام نیست (Sparka, 2010: 201). با وجود این، بر اساس بند یکم ماده ۶۷ این کنوانسیون، در قراردادهای موسوم به حجمی^۳، امکان انعقاد موافقت‌نامه انحصاری وجود دارد (Fernandez, 2021: 43). گذشته از این، کنوانسیون روتردام توافق عملی را نیز پذیرفته است. چه، در بند دوم ماده ۷۲ آن آمده است که اگر خواننده با وجود مراجعه به دادگاه ذاتاً صالح یکی از کشورهای متعاقد، به صلاحیت آن مطابق با قواعد مقر دادگاه اعتراض نکند، آن دادگاه برای رسیدگی به دعاوی مشمول این کنوانسیون نیز صلاحیت خواهد داشت.^۴

از سوی دیگر، در هر دو کنوانسیون توقیف کشتی نیز به توافق انتخاب دادگاه اشاره شده است؛ دادگاه اش هم در بند سوم ماده هفتم^۵ کنوانسیون بروکسل^۶

1. UN Convention on Contracts for the International Carriage of Goods Wholly or Partly by Sea 2008 (Rotterdam Rules).

2. In a competent court or courts designated by an agreement between the shipper and the carrier for the purpose of deciding claims against the carrier that may arise under this Convention.

3. Volume Contract

برخی از نویسندگان در ترجمه این عبارت از اصطلاح «بسته قراردادی» استفاده کرده‌اند (محمدزاده و کردان، ۱۳۹۲: ۱۸۷) که موجب کژفهمی می‌شود.

4. A competent court before which a defendant appears, without contesting jurisdiction in accordance with the rules of that court, has jurisdiction.

با وجود این، ترجمه‌ای که برخی از نویسندگان ارائه کرده‌اند موجب تغییر مفهوم متن شده است: «دادگاه صالحی که در آن خواننده حضور پیدا می‌کند بدون اینکه قواعد حاکم بر آن دادگاه صلاحیتش را رد کند دارای صلاحیت رسیدگی است» (محمدزاده و کردان، ۱۳۹۲: ۱۸۹).

5. If the parties have agreed to submit the dispute to the jurisdiction of a particular Court other than that within whose jurisdiction the arrest was made or to arbitration, the Court or other appropriate judicial authority within whose jurisdiction the arrest was made may fix the time within which the claimant shall bring proceedings.

6. The International Convention Relating to the Arrest of Seagoing Ships, signed in Brussels on 10 May 1952.

۱۹۵۲ و هم در بند نخست ماده هفتم کنوانسیون ژنو^۱ ۱۹۹۹. افزون بر این، در کنوانسیون تصادم^۲ نیز صلاحیت توافقی پیش بینی شده است. به موجب ماده دوم این عهدنامه، تعیین دادگاه‌های صالح بر اساس ماده یکم، مانع از توافق طرفین در مراجعه به دادگاه منتخب آنان نیست.^۳

۲-۱-۲. حمل و نقل هوایی

در زمینه حمل و نقل هوایی، هرچند ماده ۲۸ کنوانسیون ورشو^۴ در تبیین دادگاه‌های صالح به معیار صلاحیت توافقی تصریح نکرده است^۵ لیکن از ماده ۳۲ آن چنین استنباط می‌شود که اگر توافق انتخاب دادگاه پس از وقوع خسارت منعقد شده باشد معتبر خواهد بود (Carr, 2014: 314). چه، ماده یاد شده فقط توافق پیش از ورود خسارت را باطل و بی اعتبار می‌داند (Carr, 2014: 326).^۶ با وجود این، معلوم نیست که چرا برخی از نویسندگان از مواد ۲۸ و ۳۲ این کنوانسیون ممنوعیت مطلق توافق انتخاب دادگاه را استنباط نموده‌اند (جباری، ۱۳۹۴: ۲۷۸؛ کاظمی، ۱۳۹۶: ۵۹).

1. The International Convention on Arrest of Ships, Geneva 1999
2. International Convention on certain rules concerning civil jurisdiction in matters of collision, 1952.
3. «The provision of Article 1 shall not in any way prejudice the right of the parties to bring an action in respect of a collision before a Court they have chosen by agreement or to refer it to arbitration.»
4. Convention for the Unification of Certain Rules relating to International Carriage by Air, Warsaw, 1929.
۵. بر اساس ماده ۲۸ کنوانسیون ورشو، چهار دادگاه صالح جهت رسیدگی به دعاوی جبران خسارت تعیین شده است. در ماده ۳۳ کنوانسیون مونترال دادگاه پنجمی به چهار دادگاه صالح قبلی افزوده شده است (جباری، ۱۳۹۴: ۲۷۷؛ کاظمی، ۱۳۹۶: ۱۱۸).
6. «Sont nulles toutes clauses du contrat de transport et toutes conventions particulières antérieures au dommage par lesquelles les parties dérogeraient aux règles de la présente Convention soit par une détermination de la loi applicable, soit par une modification des règles de compétence».
۷. برخی از نویسندگان با وجود تصریح به این امر، به امکان توافق پس از بروز خسارت و اعتبار آن هیچ اشاره‌ای نکرده‌اند (صادقی، ۱۳۸۶: ۷۳).

به نظر می‌رسد که این امر ناشی از ترجمه سهوی ماده ۳۲ کنوانسیون ورشو بوده باشد. چه، ایشان در ترجمه ماده یاد شده قید «قبل از» بروز خسارت را از قلم انداخته‌اند (جباری، ۱۳۹۴: ۲۷۸). از سوی دیگر، هر چند لحن ماده ۲۸ به گونه‌ای است که گویی دعوا فقط باید در یکی از دادگاه‌های مذکور در آن مطرح شود (کاظمی، ۱۳۶۹: ۵۵)، لیکن این الزام فقط ناظر به خواهان است و خواننده می‌تواند از حق اعتراض خود به عدم صلاحیت دادگاه مورد مراجعه صرف‌نظر کند (Clarke & yates, 2008: 373). بنابراین، این ماده را باید در پرتو ماده ۳۲ تفسیر نمود که به امکان تحقق صلاحیت توافقی به نحو مشروط دلالت دارد.

این رویکرد در کنوانسیون مونترال^۱ نیز قابل مشاهده است. چه، مقررات مربوط به صلاحیت در این سند با کنوانسیون ورشو تفاوتی ندارد (Carr, 2014: 335). بر این اساس و با توجه به ماده ۴۹ آن^۲ که به نوعی تکرار ماده ۳۲ کنوانسیون ورشو می‌باشد می‌توان به این نتیجه رسید که اگر توافق بر انتخاب دادگاه پس از بروز خسارت منعقد گردد معتبر خواهد بود (Clarke, 2010: 196). این در حالی است که برخی از نویسندگان با استناد به ماده ۳۳ این کنوانسیون به لزوم اقامه دعاوی در دادگاه‌های مصرح اعتقاد دارند و به نظر می‌رسد که همچنان توافق انتخاب دادگاه را معتبر نمی‌دانند (جباری، ۱۳۹۴: ۲۷۸). در این میان، اشاره به کنوانسیون رم^۳ نیز خالی از فایده نیست. در ماده ۲۰ این سند به امکان توافق بر صلاحیت دادگاه اشاره شده است مشروط بر آنکه مقر دادگاه منتخب در یکی از کشورهای عضو باشد. با وجود این، برخی از نویسندگان معتقدند که این توافق در صورتی معتبر است که «حقوق اشخاص در تسلیم دعوا به دادگاه تحت صلاحیت آن دولت، بدون تبعیض رسیدگی شود»

1. Convention for the Unification of Certain Rules for International Carriage by Air, Montreal, 1999.
2. «Any clause contained in the contract of carriage and all special agreements entered into before the damage occurred by which the parties purport to infringe the rules laid down by this Convention, whether by deciding the law to be applied, or by altering the rules as to jurisdiction, shall be null and void.»
3. CONVENTION ON DAMAGE CAUSED BY FOREIGN AIRCRAFT TO THIRD PARTIES ON THE SURFACE, 1952.

(کاظمی، ۱۳۹۶: ۲۵۷-۲۵۸). لیکن، این عبارت به جهت برگردان نادرست نه تنها گمراه کننده است بلکه در انتقال پیام حقیقی کنوانسیون نیز به شدت نارساست. چه، کنوانسیون رم در مقام بیان این نکته است که توافق انتخاب دادگاه فقط نوعی صلاحیت اضافی محسوب می‌شود و نمی‌تواند نافی صلاحیت اصلی دادگاه محل وقوع خسارت باشد. آنچه این دیدگاه را تقویت می‌کند توجه به متن اصلی ماده^۱ و پیشینه مذاکرات مربوط به آن است. به بیان بهتر، در ابتدا چنین پیشنهاد شده بود که افزون بر دادگاه محل وقوع خسارت، دادگاه مورد توافق اشخاص هم‌تابعیت نیز صالح باشد. لیکن، این پیشنهاد به جهت امکان فریب یا تضرر سایر زیان‌دیدگان از چنین توافقی رد شد. در نهایت، پذیرفته شد که این توافق به هیچ وجه نباید موجب تضییع حقوق اشخاصی شود که در دادگاه محل وقوع خسارت طرح دعوا می‌کنند (Rink, 1962: 411). در مجموع می‌توان اظهار داشت که منظور از این قید، نه افزودن شرط دیگر بر اعتبار توافق بلکه نفی صلاحیت انحصاری از دادگاه منتخب است؛ نتیجه‌ای که به زعم برخی از نویسندگان به بیهوده شدن توافق انتخاب دادگاه در عمل خواهد انجامید (Rink, 1962: 412).

افزون بر این، در زمینه حقوق هوایی می‌توان به کنوانسیون کیپ تاون^۲ نیز اشاره کرد که در ماده ۴۲ آن^۳ توافق انتخاب دادگاه به صراحت پذیرفته شده است (Goode & others, 2015: 528). همچنین، انحصاری بودن صلاحیت دادگاه منتخب را مفروض دانسته است مگر بر خلاف آن توافق شود. از لحاظ شکل توافق نیز کتبی

1. «Actions under the provisions of this Convention may be brought only before the courts of the Contracting State where the damage occurred. Nevertheless, by agreement between any one or more claimants and any one or more defendants, such claimants may take action before the courts of any other Contracting State, but no such proceedings shall have the effect of prejudicing in any way the rights of persons who bring actions in the State where the damage occurred...»

2. Convention on International Interests In Mobile Equipment (Cape Town Convention) 2001.

3. «Subject to Articles 43 and 44, the courts of a Contracting State chosen by the parties to a transaction have jurisdiction in respect of any claim brought under this Convention, whether or not the chosen forum has a connection with the parties or the transaction. Such jurisdiction shall be exclusive unless otherwise agreed between the parties».

بودن و یا رعایت شرایط شکلی مقرر در قانون دادگاه منتخب الزامی قلمداد شده است.^۱

۲-۱-۳. حمل و نقل زمینی

در زمینه حمل و نقل زمینی، به هر دو شیوه ریلی و جاده‌ای می‌توان اشاره کرد. درباره گونه نخست، کنوانسیون حمل و نقلی ریلی^۲ توافق انتخاب دادگاه را به نحو محدود پذیرفته است.^۳ بر اساس ماده ۴۶ قواعد یکنواخت حمل ریلی کالا^۴، دادگاه منتخب باید از میان یکی از کشورهای متعهد تعیین شود.^۵ در غیر این صورت، آن توافق به عنوان یکی از مصادیق شرط نامشروع، بر اساس ماده پنجم این کنوانسیون^۶ باطل خواهد بود (Carr, 2014: 343). این رویکرد در کنوانسیون حمل و نقل جاده‌ای^۷ نیز اتخاذ شده است. بر اساس ماده ۳۱ این عهدنامه^۸، مقر دادگاه منتخب باید در یکی

1. «Any such agreement shall be in writing or otherwise concluded in accordance with the formal requirements of the law of the chosen forum.»

2. Convention relative aux transports internationaux ferroviaires (COTIF) 1999.

۳. این کنوانسیون مشتمل بر هفت پیوست با عنوان مشترک «قواعد یکنواخت» است که هر یک به موضوع خاصی از حمل ریلی می‌پردازد. با وجود این، در نسخه ۱۹۸۰ این کنوانسیون، حاکمیت اراده اشخاص در تعیین دادگاه صالح پذیرفته نشده است.

4. Règles uniformes concernant le contrat de transport international ferroviaire des marchandises (CIM - Appendice B à la Convention).

همچنین، در ماده ۵۷ «قواعد یکنواخت راجع به قرارداد حمل ریلی بین المللی مسافر» (پیوست A) و ماده ۲۴ «قواعد یکنواخت راجع به قرارداد استفاده از زیرساخت در عبور و مرور ریلی بین المللی» (پیوست E) نیز همین صلاحیت توافقی محدود پذیرفته شده است. منتها، در ماده ۱۱ «قواعد یکنواخت راجع به استفاده از وسایل نقلیه در عبور و مرور ریلی بین المللی» (پیوست D) توافق انتخاب دادگاه به کشورهای عضو محدود نشده است.

5. «Les actions judiciaires fondées sur les présentes Règles uniformes peuvent être intentées devant les juridictions des Etats membres désignées d'un commun accord par les parties...»

6. «Sauf clause contraire dans les présentes Règles uniformes, est nulle et de nul effet toute stipulation qui, directement ou indirectement, dérogerait à ces Règles uniforme.»

7. Convention on the International Carriage of Goods by Road (CMR) 1956.

8. «In legal proceedings arising out of carriage under this Convention, the plaintiff may bring an action in any court or tribunal of a contracting country designated by agreement between the parties and, in addition, in the courts or tribunals of a country within whose territory...»

از کشورهای عضو باشد. البته، صلاحیت این دادگاه نمی‌تواند به صورت انحصاری تعیین شود (Clarke & Yates, 2008: 67).^۱

در نهایت لازم به ذکر است که اسناد یاد شده در خصوص حمل و نقل تک وجهی بوده است. در زمینه حمل و نقل چند وجهی یا ترکیبی، کنوانسیون ژنو^۲ مقرراتی راجع به دادگاه‌های صالح وضع کرده است. ماده ۲۶ این سند^۳ پس از تبیین لزوم مراجعه خواهان به یکی از دادگاه‌های مذکور، توافق انتخاب دادگاه را در صورتی می‌پذیرد که پس از وقوع اختلاف منعقد شده باشد (Carr, 2003: 442). این کنوانسیون در بسیاری موارد از جمله مباحث مربوط به توافق انتخاب دادگاه از کنوانسیون هامبورگ پیروی کرده است (Sparka, 2010: 196-197)، تا آنجا که پیوستن به کنوانسیون اخیر را پیش نیاز الحاق به کنوانسیون ژنو می‌دانند (Nasseri, 1988: 244)؛ به همین جهت از تکرار مطالب خودداری می‌شود.

۲-۲. عهدنامه‌های سازمان کنفرانس لاهه^۴

کنفرانس لاهه درباره حقوق بین‌الملل خصوصی، همان‌گونه که از نامش بر می‌آید سازمان بین‌الدولی فعال در زمینه حقوق بین‌الملل خصوصی است و عهدنامه‌های فراوانی در موضوعات مختلف از این رشته تدوین نموده است. در زمینه صلاحیت توافقی دو سند این سازمان اهمیت فراوانی دارد که در ادامه خواهد آمد.

۱. این امر از عبارت «in addition» در ماده یاد شده استنباط شده است. وانگهی، حتی به عنوان مصداق انحراف از قواعد این کنوانسیون بر اساس ماده ۴۱ بی اعتبار خواهد بود (Carr, 2014: 369).

2. United Nations Convention, on International Multimodal Transport of Goods, Geneva, 1980.

3. «Notwithstanding the preceding provisions of this Article, an agreement made by the parties after a claim has arisen, which designates the place where the plaintiff may institute an action, shall be effective.»

4. Hague Conference on Private International Law

این سازمان تا این لحظه ۸۷ عضو دارد و کشور ایران عضو آن نیست (آخرین بازدید در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۸).

۲-۲-۱. عهدنامه لاهه ۲۰۰۵

آنچه امروزه با عنوان عهدنامه لاهه ۲۰۰۵ شناخته می‌شود^۱ حاصل بیش از یک دهه تلاش این سازمان جهت تصویب عهدنامه‌ای بین‌المللی در زمینه صلاحیت قضایی بین‌المللی است که در ابتدا قرار بود تمام ابعاد آن را پوشش دهد. منتها، به جهت وجود اختلاف نظرهای مبنایی شدید میان کشورهای عضو، در نهایت فقط به یک معیار صلاحیت یعنی صلاحیت مبتنی بر توافق محدود گشت (Von Mehren, 2007: 60).^۲ این عهدنامه به دنبال ایجاد همان سودمندی و قطعیت حقوقی موجود در موافقت‌نامه‌های داوری برای موافقت‌نامه‌های انتخاب دادگاه است (Audit, 2008: 172) و به همین جهت از کنوانسیون نیویورک (keyes, 2020: 4) و عهدنامه بروکسل تاثیر پذیرفته است (Hartley & Ley, 2013: 21). البته، این عهدنامه با توجه به ماده نخست^۳ آن ناظر به آن دسته از دعاوی مدنی و تجاری^۴ بین‌المللی^۵ است که مبتنی بر موافقت‌نامه‌های انحصاری^۶ انتخاب

1. Hague Convention on Choice of Court Agreements (30 June 2005), available at www.hcch.net.

این کنوانسیون در سال ۲۰۱۵ لازم‌الاجرا شده است و تاکنون علاوه بر اتحادیه اروپا، کشورهای مکزیک، سنگاپور، مونته‌نگرو، بریتانیا و دانمارک بدان پیوسته‌اند. ایالات متحده، آراین، اسرائیل، چین و مقدونیه شمالی نیز فقط آن را امضا کرده‌اند.

۲. برخی از نویسندگان با انتقاد از این وضعیت آن را به فیلی تشبیه کرده‌اند که در نهایت موش زاییده است (Talpis & Krnjevic, 2006: 4).

3. «This Convention shall apply in international cases to exclusive choice of court agreements concluded in civil or commercial matters...»

۴. با وجود اینکه در این عهدنامه نیز همچون مقرره بروکسل تعریفی از موضوعات مدنی و تجاری ارائه نشده است (Thiele, 2007: 70)، به نظر می‌رسد که هدف از تبیین آن خارج کردن دعاوی مشمول حقوق عمومی و کیفری از دامنه عهدنامه باشد. وانگهی، در برخی از نظام‌های حقوقی موضوعات مدنی و بازرگانی دو حوزه مجزا از یکدیگر هستند و بکار بردن این دو عنوان در کنار هم به منظور تحت پوشش قرار دادن این قبیل نظام‌هاست (Hartley & Dogauchi, 2006: 30).

۵. بر اساس بند ب ماده نخست عهدنامه، بین‌المللی بودن دعاوی مفروض است مگر اینکه طرفین در کشور عضو واحدی سکونت داشته باشند و یا همه عناصر دعوا، جز مقر دادگاه منتخب، فقط به یک کشور عضو مربوط باشد. به بیان دیگر، صرف انتخاب دادگاه خارجی موجب بین‌المللی شدن قضیه نمی‌شود (Brand, 2009: 7).

۶. بند الف ماده سوم عهدنامه لاهه به تعریف توافق انحصاری می‌پردازد. همچنین، بر اساس بند د این ماده، انحصاری بودن موافقت‌نامه مفروض است مگر اینکه طرفین بر خلاف آن تصریح کنند. مزیت چنین تفسیری آنست که دعاوی بیشتری تحت شمول عهدنامه لاهه قرار خواهد گرفت (Thiele, 2007: 68).

دادگاه کشورهای عضو^۱ باشد. به همین جهت، برخی از نویسندگان معتقدند که فقط توافق‌های انحصاری مشمول عهدنامه لاهه خواهد بود (غمامی و صانعیان، ۱۳۹۹: ۱۷۲). در حالی لزوماً چنین نیست و در عهدنامه لاهه امکان حکومت بر موافقت‌نامه‌های غیرانحصاری نیز هرچند به صورت محدود پیش بینی شده است. با وجود این، برخی از نویسندگان در توضیح این مکانیزم معتقدند که کشورهای عضو می‌توانند از طریق اعلامیه ماده ۲۸ عهدنامه به شناسایی و اجرای آرای صادره از دادگاه تعیین شده در توافق غیرانحصاری نیز مبادرت ورزند (حبیب‌زاده، ۱۳۹۰: ۴۶). این در حالی است که ماده یاد شده درباره اعلامیه‌های مربوط به نظام‌های حقوقی غیر یکپارچه^۲ است و مقرره مرتبط با بحث را باید ماده ۲۲ عهدنامه لاهه دانست. همچنین، بعضی از نویسندگان درباره کارکرد این اعلامیه معتقدند که با صدور آن می‌توان موافقت‌نامه‌های غیرانحصاری را نیز تحت شمول عهدنامه لاهه قرار داد (مقصودی، ۱۳۸۹: ۱۵۶). لیکن، اطلاق کلام ایشان پذیرفتنی نیست؛ چه، گستره ناشی از صدور چنین اعلامیه‌ای فقط محدود به امکان شناسایی و اجرای احکام صادره است و منجر به تعمیم سایر بخش‌های عهدنامه از جمله مبحث صلاحیت مستقیم به موافقت‌نامه‌های غیر انحصاری نمی‌شود (Brand and Herrup, 2008: 154).

به هر حال با لازم الاجرا شدن این عهدنامه، سه اثر اصلی صلاحیت توافقی در سطح بین‌المللی نهادینه گشته است (Mukkaram, 2017, p238): اعطای صلاحیت به دادگاه منتخب (ماده پنجم)^۳؛ نفی صلاحیت از دادگاه غیر منتخب (ماده ششم)^۴ و در نهایت، لزوم شناسایی و اجرای احکام صادره از دادگاه منتخب در محاکم سایر

۱. بنابراین، انتخاب دادگاه کشورهای غیر عضو و یا دادگاه‌های بین‌المللی مانند دیوان بین‌المللی دادگستری یا دیوان دادگستری اتحادیه اروپا مشمول عهدنامه لاهه قرار نمی‌گیرد (Thiele, 2007: 69).

2. Declarations with Respect to Non-Unified Legal Systems

3. The court or courts of a Contracting State designated in an exclusive choice of court agreement shall have to decide a dispute to which the agreement applies, unless the agreement is null and void under the law of that State.

4. A court of a Contracting State other than that of the chosen court shall suspend or dismiss proceedings to which an exclusive choice of court agreement applies unless.

«دادگاه هر یکی از کشورهای عضو به جز دادگاه منتخب باید رسیدگی به آنچه که توافق انتخاب انحصاری دادگاه بر آن اعمال می‌شود را متوقف یا رد کند».

کشورهای عضو (ماده هشتم)، مگر در صورت وجود یکی از مبانی رد (ماده نهم). با وجود این، برخی از نویسندگان معتقدند که رای دادگاه منتخب باید در سایر دول متعاقد شناسایی و اجرا شود «مگر اینکه یکی از مبانی شناسایی و اجرا قابل اعمال باشد» (اصغریان، ۱۳۹۴، ص ۴۵)؛ به نظر می‌رسد در عبارت ایشان سهواً واژه «رد» از قلم افتاده باشد. در غیر این صورت، بی‌مفهوم و مغایر با مفاد عهدنامه لاهه خواهد بود. بنابراین، ماده نهم عهدنامه لاهه در مقام معرفی «مبانی رد» شناسایی احکام است نه تبیین «مبانی شناسایی» آن؛ آن‌گونه که برخی معتقدند (حبیب‌ا و شاکری، ۱۳۹۴: ۵۵۰).

از سوی دیگر، در عهدنامه لاهه بر خلاف مقررہ بروکسل، انعقاد توافق در خصوص اقسار آسیب پذیر مانند مصرف کننده و کارگر محدود نشده بلکه به طور کلی از شمول آن خارج شده است. چه، این عهدنامه اصولاً ناظر به روابط میان بازرگانان و در صدد افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی است و بر خلاف آنچه برخی از نویسندگان معتقدند (حبیب‌زاده، ۱۳۹۰: ۴۸)، به قراردادهای تاجر با مصرف کننده تسری پیدا نمی‌کند. در مقابل، آنچه که معمولاً مشمول صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ملی قرار می‌گیرد مانند دعاوی مربوط به اموال غیر منقول، از شمول عهدنامه لاهه نیز خارج شده است. افزون بر این، در حالی که در این عهدنامه به شمول آن بر موضوعات مالکیت فکری نیز اشاره شده است (حبیب‌ا و شاکری، ۱۳۹۴: ۵۵۱)، معلوم نیست چرا برخی از نویسندگان معتقدند که هیچ کنوانسیون عامی راجع به تعیین دادگاه صالح در این قبیل مسائل وجود ندارد (نظریانی، ۱۳۹۹: ۸۲).

همچنین، بر اساس عهدنامه لاهه، توافق انتخاب دادگاه می‌تواند ناظر به اختلافات موجود یا آینده باشد لیکن باید به رابطه حقوقی معینی محدود شود. این الزام از سوء استفاده خواهان در تحمیل صلاحیت دادگاه منتخب جهت رسیدگی به همه دعاوی بین طرفین پیش‌گیری می‌کند. البته، نیازی نیست که میان دادگاه منتخب و دعوا ارتباطی وجود داشته باشد. با وجود این، بر اساس ماده ۱۹ عهدنامه لاهه، کشورهای عضو می‌توانند با صدور اعلامیه، صلاحیت دادگاه‌های خود را به وجود چنین ارتباطی وابسته سازند. همچنین، با توجه به بندهای نخست مواد پنجم، ششم و نهم عهدنامه، اعتبار ماهوی توافق انتخاب دادگاه تابع قانون کشور دادگاه منتخب است. لیکن، برخی از نویسندگان معتقدند که تشخیص این امر بر اساس قانون ماهوی آن کشور صورت

می‌گیرد (حبیب‌زاده، ۱۳۹۰: ۴۶)؛ در حالی که چنین نیست و منظور از حقوق کشور منتخب، کل مقررات آن کشور از جمله قواعد حل تعارض است (Mukarrum, 2017: 239). چه در غیر این صورت، عهدنامه از عبارت «حقوق داخلی»^۱ استفاده می‌کرد و یا صراحتاً اعمال قواعد حل تعارض را استثنا می‌نمود (Brand and Herrup: 80-81). در این سند نیز احراز رضایت واقعی طرفین رکن رکین اعتبار ماهوی توافق محسوب می‌شود که از طریق مواردی مانند اشتباه، تدلیس، تقلب و عدم اهلیت نقض می‌گردد (Brand & Herrup, 2008: 41). با وجود این، به جهت تنوع قوانین ملی در زمینه اهلیت، احراز اهلیت طرفین موافقت‌نامه بر اساس قانون سه کشور مورد ارزیابی قرار می‌گیرد: قانون کشور دادگاه منتخب، قانون مقر دادگاه رسیدگی‌کننده به دعوا و قانون مقر دادگاه اجرا کننده حکم (Tang, 2014: 26).^۲ بنابراین، برخلاف آنچه برخی معتقدند (مجد و انصاری، ۱۴۰۰: ۱۵۰)، بطلان توافق لزوماً بر اساس قانون کشور دادگاه منتخب مشخص نمی‌گردد.

از لحاظ شکلی، توافق انتخاب دادگاه در صورتی معتبر است که به صورت کتبی یا هر شیوه دیگری که امکان استناد بعدی به آن ممکن باشد^۳ منعقد یا تنظیم گردد. همچنین، این امکان وجود دارد که توافق به صورت الکترونیکی تحقق یابد. دکتترین استقلال^۴ در ماده سوم عهدنامه پیش‌بینی شده است و بر اساس آن نمی‌توان اعتبار توافق انتخاب دادگاه را فقط به دلیل بی اعتباری قرارداد اصلی مورد تردید قرار داد (Hartley & daugochi, 2006: 53). از این گذشته، اسباب عیوب اراده مانند تدلیس، اشتباه و اجبار، باید نسبت به خود توافق نه قرارداد پایه اثبات گردند (Briggs, 2008: 251).

در نهایت، لازم به ذکر است که کنفرانس لاهه پیش از این نیز عهدنامه‌هایی راجع به صلاحیت توافقی وضع کرده بود لیکن، هیچ‌کدام از آنها تاکنون لازم الاجرا نشده اند (Thiele, 2007: 65). در این زمینه می‌توان به دو عهدنامه ذیل اشاره کرد (مجد کابری و انصاری، ۱۳۹۸: ۳۱۷). نخست، کنوانسیون راجع به صلاحیت دادگاه

1. Internal Law

۲. هر چند تعدد قانون حاکم منجر به غیر قابل پیش‌بینی شدن قانون قابل اعمال بر اهلیت می‌شود لیکن این امر با توجه به عدم امکان وضع قاعده حل تعارض واحد در این زمینه توجیه شدنی است (شایگان، ۱۳۹۷: ۵۱-۵۲).
۳. این عبارت اقتباسی از بند نخست ماده ششم نمونه قانون آنسیترال ۱۹۹۶ درباره تجارت الکترونیکی است.

4. principle of severability

منتخب برای رسیدگی به بیع بین المللی کالا^۱ می‌باشد که در ماده دوم آن^۲ به توافق انتخاب دادگاه اشاره شده است که موجب صلاحیت انحصاری آن مرجع خواهد شد. دیگری، کنوانسیون راجع به انتخاب دادگاه صالح^۳ است که در ماده نخست آن^۴ توافق بر انتخاب دادگاه یا دادگاه‌های یکی از کشورهای متعاقد پذیرفته شده است (شیخ الاسلامی، ۱۳۸۴: ۱۱۸-۱۲۱؛ بختیاروند، ۱۳۸۹: ۷۹). در کنار این‌ها می‌توان از پیش نویس عهدنامه راجع به صلاحیت و شناسایی احکام در موضوعات مالکیت فکری^۵ نیز یاد کرد که به ترتیب در مواد چهارم و پنجم آن به هر دو گونه صلاحیت توافقی یعنی توافق انتخاب دادگاه و تمکین خوانده از صلاحیت دادگاه مورد مراجعه، اشاره شده است. منتها، بر خلاف آنچه برخی از نویسندگان معتقدند (مافی و حسینی مقدم، ۱۳۹۶: ۳۱۰)، در عهدنامه لاهه راجع به قانون قابل اعمال در سوانح رانندگی^۶ هیچ مقررهای درباره

1. Convention of 15 April 1958 on the jurisdiction of the selected forum in the case of international sales of goods.

کشورهای امضا کننده این عهدنامه عبارتند از اتریش، بلژیک، یونان و آلمان. بنابراین، بر خلاف آنچه برخی اظهار داشته‌اند (مجدکابری، ۱۳۹۷، ص ۵۲)، استرالیا این سند را امضا نکرده است. به نظر می‌رسد که این سهو ناشی از تشابه نام لاتینی این کشور با اتریش بوده باشد.

2. Si les parties à un contrat de vente désignent d'une manière expresse un tribunal ou des tribunaux d'un des Etats contractants comme compétents pour connaître des litiges qui ont surgi ou peuvent surgir dudit contrat entre les parties contractantes, le tribunal ainsi désigné sera exclusivement compétent et tout autre tribunal doit se déclarer incompétent sous réserve des dispositions de l'article 3.

3. Convention of 25 November 1965 on the Choice of Court

4. In the matters to which this Convention applies and subject to the conditions which it prescribes, parties may by an agreement on the choice of court designate, for the purpose of deciding disputes which have arisen or may arise between them in connection with a specific legal relationship.

5. DRAFT CONVENTION ON JURISDICTION AND RECOGNITION OF JUDGMENTS IN INTELLECTUAL PROPERTY MATTERS, 2001

6. Hague Convention of 4 May 1971 on the Law Applicable to Traffic Accidents <http://www.hcch.net/en/instruments/conventions/full-text>.

معیارهای صلاحیت قضایی از جمله صلاحیت توافقی وضع نشده است.^۱

۲-۲-۲. عهدنامه احکام لاهه ۲۰۱۹

کنفرانس لاهه در سال ۲۰۱۹ میلادی، کنوانسیون جهانی درباره شناسایی و اجرای احکام خارجی^۲ در امور مدنی و بازرگانی تصویب کرده است. ماده پنجم این عهدنامه به مبانی صلاحیت دادگاه صادر کننده حکم از جمله توافق انتخاب دادگاه می‌پردازد.^۳ این سند، به منظور پرهیز از تداخل با عهدنامه لاهه ۲۰۰۵، فقط به توافق غیر انحصاری اشاره دارد و توافق انحصاری را همچنان مشمول عهدنامه لاهه ۲۰۰۵ می‌پندارد (Garcimartin & Saumier, 2020: 106). همچنین، تعریفی که این عهدنامه از توافق غیر انحصاری ارائه می‌کند تعریف به ضد است.^۴ به بیان بهتر، این سند همان تعریفی را بیان می‌کند^۵ که عهدنامه لاهه ۲۰۰۵ از توافق انحصاری ارائه کرده

۱. برخی از نویسندگان از عهدنامه‌ای با عنوان «کنوانسیون لاهه راجع به حقوق بین الملل خصوصی (لازم الاجرا از ۱۹۵۵)» به عنوان مهمترین کنوانسیون بین المللی در زمینه تعارض دادگاه‌ها نام می‌برند (صادقی، ۱۳۸۹: ۵۵). لیکن تحقیقاً چنین سندی وجود خارجی ندارد. این احتمال وجود دارد که منظور ایشان اشاره به «اساسنامه کنفرانس لاهه راجع به حقوق بین الملل خصوصی» باشد که به دلیل تشابه عنوان لاتینی و تاریخ لازم الاجرا شدن آن، امر مشتبه شده است؛ کما اینکه به نظر می‌رسد ایشان در جای دیگر نیز عبارت کنوانسیون لاهه را به جای کنفرانس لاهه بکار برده‌اند (صادقی، ۱۳۸۹: ۵۹).

2. Hague Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Judgments in Civil or Commercial Matters (2019 Hague Judgments Convention).

تاکنون فقط اسرائیل، اکراین و اروگوئه آن را امضاء کرده‌اند.

3. A judgment is eligible for recognition and enforcement if one of the following requirements is met:

m- The judgment was given by a court designated in an agreement concluded or documented in writing or by any other means of communication which renders information accessible so as to be usable for subsequent reference, other than an exclusive choice of court agreement.

۴. تعرف الاشیاء باضدادها

5. For the purposes of this sub-paragraph, an “exclusive choice of court agreement” means an agreement concluded by two or more parties that designates, for the purpose of deciding disputes which have arisen or may arise in connection with a particular legal relationship, the courts of one State or one or more specific courts of one State to the exclusion of the jurisdiction of any other courts.

است و سپس موارد خارج از شمول آن تعریف را مشمول عنوان توافق غیر انحصاری می‌داند. افزون بر این، توافق باید به شکل کتبی منعقد یا تنظیم شود و توافق شفاهی مشمول این کنوانسیون نیست. همچنین، توافق در قالب سند الکترونیکی با دوام نیز پذیرفته شده است (Garcimartin & Saumier, 2020: 107).

البته پیش از این، دیگر کنوانسیون احکام لاهه^۱ نیز صلاحیت توافقی را به عنوان یکی از معیارهای تعیین صلاحیت دادگاه صادر کننده حکم پذیرفته بود (بند پنجم ماده ۱۰).^۲ با وجود لازم الاجرا شدن این کنوانسیون، به جهت عدم انعقاد موافقت‌نامه‌های تکمیلی مربوط به آن، هنوز جنبه اجرایی نیافته است (Alghanim, 2019: 496). با وجود این، مساله دیگری که پس از شناسایی منابع قانونی رخ می‌نماید، تشخیص سند قابل اعمال در میان انبوه منابع موجود است. به بیان دیگر، اگر کشوری به بیش از یکی از این اسناد پیوسته باشد ممکن است با پدیده تعارض اسناد^۳ مواجه شود. برای مثال، کشور فرانسه، از یک طرف ملزم به رعایت اسناد حمل و نقل و از سوی دیگر، ملزم به رعایت عهدنامه لاهه است. بنابراین، تشخیص مقرر حاکم، هم برای دادگاه‌های این کشور و هم برای اصحاب دعوا ضروری خواهد بود.

۳. تعارض منابع جهانی توافق انتخاب دادگاه

یکی از مهمترین نتایج تعدد منابع در زمینه صلاحیت قضایی بین‌المللی، امکان وقوع تعارض میان آنهاست. در این صورت، آنچه برای دادگاه رسیدگی کننده اهمیت دارد تشخیص این امر است که در میان انبوه منابع موجود به کدام یک از آنها باید استناد کند. هرچند امروزه معمولاً در خود عهدنامه‌های بین‌المللی به نحوه رفع تعارض

1. Hague Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Judgments in Civil and Commercial Matters, 1971.

کشورهای عضو این کنوانسیون عبارتند از هلند، کویت، قبرس، آلبانی و پرتغال.

2. if, by a written agreement or by an oral agreement confirmed in writing within a reasonable time, the parties agreed to submit to the jurisdiction of the court of origin disputes which have arisen or which may arise in respect of a specific legal relationship, unless the law of the State addressed would not permit such an agreement because of the subject-matter of the dispute.

3. Conflict of Instruments.

آن سند با سایر منابع اشاره می‌شود لیکن، این امر همیشگی نیست^۱ و حتی با وجود درج چنین مقرره‌ای همچنان در عمل مسائلی به وجود می‌آید که حل آن نیازمند تأمل بیشتر است. از سوی دیگر، پرداخت به این موضوع از نگاه هر یک از اسناد به صورت جداگانه نه تنها بلکه خارج از حوصله این نوشتار است. به همین جهت، این ارزیابی از نگاه عهدنامه لاهه ۲۰۰۵ انجام می‌شود؛ چه گستره شمول آن گسترده‌تر است و دربردارنده قواعد نوینی در این باره است.

ماده ۲۶ عهدنامه لاهه با عنوان «ارتباط با سایر اسناد بین‌المللی»، در شش بند به این موضوع می‌پردازد. در بند نخست^۲ این ماده به ضرورت تفسیر هماهنگ این عهدنامه با سایر معاهدات تصریح شده است. همچنین، در بند چهارم آن مقرر شده است که کشورهای عضو عهدنامه لاهه با رعایت شرایطی می‌توانند شناسایی و اجرای احکام خارجی را بر اساس سایر معاهدات راجع به شناسایی و اجرای احکام انجام دهند. در این بند آمده است: «این عهدنامه بر اجرای هر معاهده دیگر از سوی هر یک از کشورهای عضو، با هدف احراز شناسایی یا اجرای حکم صادره از کشور عضو دیگر، تاثیری ندارد، خواه پیش یا پس از این عهدنامه منعقد شده باشد. با وجود این، شناسایی یا اجرای حکم نباید کمتر از آنچه باشد که این عهدنامه مقرر داشته است»^۳. افزون بر این، بر پایه بند پنجم ماده ۲۶، این وضعیت برتری پذیری می‌تواند در رابطه میان عهدنامه لاهه با عهدنامه‌های مربوط به صلاحیت یا اجرای احکام در زمینه‌های خاص نیز جریان یابد. در بند زیریاد می‌خوانیم: «این عهدنامه بر اجرای هر معاهده دیگری راجع به صلاحیت یا شناسایی یا اجرای احکام در زمینه موضوع خاص از سوی هر یک از کشورهای عضو، تاثیری ندارد حتی اگر پس از این عهدنامه منعقد شده باشد و حتی

۱. از جمله عهدنامه کیف که هیچ مقرره‌ای در زمینه تعارض ندارد.

۲. «عهدنامه حاضر تا آنجا که ممکن است باید هماهنگ با سایر معاهداتی تفسیر شود که برای کشورهای متعاقد لازم‌الاجرا هستند، خواه آن معاهدات پیش یا پس از این عهدنامه منعقد شده باشند».

۳. بسنجد با ترجمه دیگری (شایگان، ۱۳۹۷: ۹۷) از همین بند: «کنوانسیون حاضر تأثیری بر اجرای دیگر معاهدات کشور عضو کنوانسیون درباره شناسایی یا اجرای احکام صادره از دادگاه‌های سایر کشورهای عضو کنوانسیون که طرف آن معاهدات نیز میباشند، ندارد، خواه آن معاهدات پیش از این کنوانسیون منعقد شده باشند خواه پس از آن. اما، احکام مزبور نباید با حقوق و امتیازاتی کمتر از آنچه که به موجب این کنوانسیون پذیرفته شده است، شناسایی یا اجرا شود».

اگر همه کشورهای درگیر عضو این عهدنامه هم باشند. این بند تنها در صورتی اجرا می‌شود که آن کشور عضو بر پایه مفاد این بند در خصوص آن معاهده اعلامیه صادر کند...»^۱.

شایان یادآوری است، تعارض باید جنبه واقعی داشته باشد وگرنه تعارض ظاهری به راحتی حل شدنی است.^۲ به بیان دیگر، باید مقرر دادگاه منتخب در کشوری باشد که عضو عهدنامه لاهه نیز است. واقعیت آنست که در عهدنامه لاهه نیز تلاش شده است که با استثنا کردن برخی از موضوعات از قلمرو شمول آن، وقوع تعارض به حداقل ممکن رسد (Hartley & Doghochi, 2006: 41). به عنوان نمونه، به موجب ماده دوم این عهدنامه، حمل و نقل کالا و مسافر به جهت وجود عهدنامه‌های بین‌المللی دیگر، از شمول آن خارج شده است (Brand, 2009: 8). نسبت به سایر عهدنامه‌های خاص نیز می‌توان با صدور اعلامیه تقدم آنها را محقق ساخت (Schulz, 2006: 267).

۱. بستجید با ترجمه دیگری (شایگان، ۱۳۹۷: ۹۷) از همین بند: «این کنوانسیون بر اجرای دیگر معاهدات کشورهای عضو، که منجر به وضع قواعدی در مورد صلاحیت یا شناسایی یا اجرای احکام نسبت به موضوعات خاص شده است، تأثیری نخواهد گذاشت، حتی اگر آن معاهدات پیش از این کنوانسیون منعقد شده باشند و تمام دولت‌های امضاکننده آن معاهدات نیز عضو این کنوانسیون باشند. مفاد این بند تنها در مواردی اعمال می‌شود که کشور عضو این کنوانسیون اعلامیه‌ای را بر اساس مفاد این بند در خصوص آن معاهدات صادر کرده باشد...».

۲. لازم به ذکر است که اصطلاح «تعارض واقعی» در این نوشتار و به طور کلی در ادبیات حقوق بین‌الملل خصوصی متفاوت از آن مفهومی است که در مبانی فقهی به ویژه اصول فقه مطرح می‌شود. به بیان ساده، می‌توان آنرا معادل اصطلاح «تزام» دانست (طباطبایی و اسعدی، ۱۳۹۳: ۱۲). با وجود این، به جهت متداول بودن از همان اصطلاح تعارض استفاده شده است.

برآمد

وجود اختلاف در اجرای یک قرارداد، به خودی خود مسئله‌ای بغرنج است که اگر شیوه مناسبی برای حل و فصل آن تعیین نشود دشواری آن چند برابر خواهد شد. شیوه‌ای مناسب است که در آن تخصص و سرعت عمل مرجع رسیدگی به حداکثر رسد و به این ترتیب، قطعیت حقوقی و پیش بینی

پذیری را تضمین کند. شرط صلاحیت قضایی به عنوان یک ابزار حل اختلاف، اگر به درستی و با دقت نظر انتخاب شود چنین دستاوردی خواهد داشت. این شیوه را می‌توان تلفیقی از مزایای داوری و رسیدگی قضایی دانست. پس آنچه باقی می‌ماند تضمین اعتبار آن در منابع بین‌المللی حاکم بر قراردادهای تجاری است. خوشبختانه، توافق بر انتخاب دادگاه در راستای پاسخگویی به نیازهای اساسی بازرگانان به متون قانونی راه یافته و با ویژگی‌هایی به شرح ذیل همراه است:

۱. عهدنامه‌های جهانی از جمله اسناد مربوط به حوزه حمل و نقل و به ویژه عهدنامه‌های لاهه، صلاحیت توافقی را به عنوان یکی از معیارهای بین‌المللی صلاحیت قضایی به رسمیت شناخته‌اند.
۲. طبع توافق بر انتخاب دادگاه بیشتر متناسب با فعالیت‌های تجاری بین‌المللی است و نسبت به اشخاص با موقعیت نابرابر چندان مناسب نیست؛ مگر آنکه با محدودیت‌هایی از جمله موکول کردن آن به پس از وقوع اختلاف همراه باشد.
۳. صلاحیت توافقی نباید و نمی‌تواند تهدیدی برای صلاحیت‌های انحصاری به ویژه دعوای مربوط به اموال غیرمنقول باشد.
۴. شکل توافق بر انتخاب دادگاه باید به صورت مکتوب تنظیم یا تصدیق شود؛ هرچند شیوه مبتنی بر عرف تجاری مستمر و یا ابزارهای الکترونیکی بادوام نیز پذیرفتنی است.
۵. اعتبار ماهوی توافق بر انتخاب دادگاه تابع مقررات کشور دادگاه منتخب از جمله قواعد حل تعارض آنست.
۶. توافق انتخاب دادگاه از قرارداد اصلی مستقل است و تحت تأثیر ایرادات مربوط به اعتبار قرارداد اصلی قرار نمی‌گیرد.
۷. اصولاً توافق اشخاص متضمن رسیدگی انحصاری برای دادگاه منتخب است

۸. در حال حاضر، عهدنامه لاهه ۲۰۰۵، مهمترین سند لازم‌الاجرا در این زمینه است که در مقام رفع تعارض با سایر اسناد، نسبت به اجرای عهدنامه‌های خاص و منطقه‌ای موضع انفعالی ندارد و تا حد ممکن اجرای آنها را پذیرفته است؛ با این قید که به کمتر از مزایای مندرج در آن عمل نکنند.

منابع الف) فارسی کتب

۱. اصغریان، مجتبی. (۱۳۹۴). *درس‌هایی از حقوق بین‌الملل خصوصی پیشرفته*. چاپ اول، تهران: خرسندی.
۲. جباری، منصور. (۱۳۹۴). *حقوق حمل و نقل بین‌الملل هوایی*. چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
۳. حبیب‌زاده، طاهر. (۱۳۹۰). *دادگاه صالح در بستر قراردادهای الکترونیک (مطالعه تطبیقی)*، جلد سوم. انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۴. رضایی، علی. (۱۳۹۴). *حقوق تأمین مالی در تجارت بین‌الملل*. چاپ اول، تهران: میزان.
۵. سلجوقی، محمود. (۱۳۸۷). *حقوق بین‌الملل خصوصی*، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران: میزان.
۶. شایگان، اسماعیل. (۱۳۹۷). *شرط صلاحیت قضایی در حقوق بین‌الملل خصوصی*. چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۷. شیخ‌الاسلامی، سیدمحسن. (۱۳۸۴). *حقوق بین‌الملل خصوصی*. چاپ اول، تهران: گنج دانش.
۸. کاظمی، حمید. (۱۳۹۶). *حقوق بین‌الملل خصوصی هوایی*. چاپ اول، تهران: سمت.

مقالات

۹. الماسی، نجادعلی؛ و اسعدی، سید حسین. (۱۳۹۸). *امکان‌سنجی توسعه صلاحیت محل دادگاه پایتخت در دادرسی موازی بین‌المللی*. مجله حقوقی دادگستری، سال هشتاد و سوم، شماره ۱۰۵، صص ۱۱-۳۸.
۱۰. ایروانی مهاجری، فاطمه السادات؛ نصیری، مرتضی؛ و صادقی، محمود. (۱۳۹۷). *دادگاه صالح و قانون حاکم در دعاوی حقوق مولف با بررسی اسناد بین‌المللی*. فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۲۸۹-۳۱۸.
۱۱. باقری، محمود. (۱۳۸۶). *حدود آزادی طرفین در تعیین صلاحیت قضایی بین‌المللی: داوری تجاری بین‌المللی*. فصلنامه حقوق، دوره ۳۷، شماره ۳، صص ۲۹-۶۲.

۱۲. بختیاروند، مصطفی. (۱۳۸۹). *صلاحیت محاکم در قراردادهای الکترونیک مصرف کننده*. فصلنامه حقوق، دوره ۴۰، شماره ۳، صص ۷۷-۹۵.
۱۳. حبیبی، سعید؛ و شاکری، فرزانه. (۱۳۹۴). *موافقت نامه های انتخاب دادگاه در دعاوی مالکیت فکری؛ بررسی کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵*. فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۵، شماره ۴، صص ۵۴۳-۵۶۲.
۱۴. حبیبی مجنده، محمد؛ و شایسته، شوکت. (۱۳۹۹). *جایگاه توافق در تعیین دادگاه صالح و قانون حاکم در دعاوی مالکیت فکری*. فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، دوره نهم، شماره ۳۳، صص ۱۲۵-۱۵۸.
۱۵. رئیسی، لیلا. (۱۳۸۷). *دادگاه صلاحیت دار در دعاوی حقوق مالکیت معنوی در روابط بین الملل خصوصی*. مجله اندیشه های حقوق خصوصی، سال پنجم، شماره ۱۳، صص ۱۴۳-۱۶۶.
۱۶. شیروی، عبدالحسین؛ و وکیلی مقدم، محمدحسین. (۱۳۹۴). *حقوق نرم*. مجله حقوق تطبیقی، دوره ۶، شماره ۱، صص ۲۵۱-۲۷۶.
۱۷. صادقی، حسین. (۱۳۸۶). *طرفین دعوی در حمل و نقل بین المللی هوایی و دادگاه صلاحیت دار بر اساس کنوانسیون ورشو و اصل*
- احیه های آن*. دوفصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۴۲ و ۴۳، صص ۴۷-۷۸.
۱۸. صادقی، محسن. (۱۳۸۹). *مطالعه تطبیقی تعیین مرجع صالح رسیدگی به دعاوی حقوقی نقض اسرار تجاری در فضای دیجیتالی*. فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، دوره ۱۴، شماره ۵۵، صص ۴۷-۷۳.
۱۹. طباطبایی، سیدمحمد صادق؛ و اسعدی، سیدحسین. (۱۳۹۳). *قانون حاکم بر ازدواج با بیگانه در نظام حقوقی ایران*. فصلنامه تعالی حقوق، دوره جدید، شماره ۶، صص ۷-۳۳.
۲۰. غمامی، مجید؛ و صانعیان، علی اصغر. (۱۳۹۹). *اعتبار قرارداد انتخاب دادگاه در حقوق بین الملل خصوصی و تأثیر آن بر شناسایی و اجرای آراء خارجی*. مجله حقوقی دادگستری، سال ۸۴، شماره ۱۱۰، صص ۱۶۷-۱۸۸.
۲۱. مافی، همایون؛ و حسینی مقدم، سید حسن. (۱۳۹۶). *دادگاه صالح در حل و فصل اختلافات ناشی از تعهدات غیرقراردادی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا*. دوفصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۸، شماره ۱، صص ۲۹۷-۳۲۲.

۲۲. مجد کابری، محمد؛ و انصاری، اعظم. (۱۳۹۸). *تأثیر حاکمیت اراده در صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها*. فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۲، شماره ۸۷، صص ۳۰۳-۳۲۸.
۲۳. مجد کابری، محمد؛ و انصاری، اعظم. (۱۴۰۰). *آثار انتخاب دادگاه در حقوق بین‌الملل خصوصی ایران و کنوانسیون ۲۰۰۵ لاهه*. دو فصلنامه حقوق تطبیقی، دوره ۸، شماره ۱، صص ۱۳۹-۱۶۴.
۲۴. مجدکابری، محمد. (۱۳۹۷). *تأثیر حاکمیت اراده در صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها (حقوق ایران، سوریه و انگلستان)* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد.
۲۵. محمد زاده وادقانی، علیرضا؛ و کاردان، کتایون. (۱۳۹۲). *کنوانسیون رتردام (۲)*. فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۳، شماره ۲، صص ۱۷۱-۱۹۰.
۲۶. مقصودی، رضا. (۱۳۸۹). *شروط صلاحیت قضایی در حقوق بین‌الملل خصوصی*. پژوهشنامه حقوقی، سال اول، شماره ۲، صص ۱۴۳-۱۶۳.
۲۷. مقصودی، رضا. (۱۳۹۱). *توافق بر دادگاه صالح در قراردادهای بین‌المللی: توجیه و نقد رویه قضایی*. فصلنامه رای، شماره ۱۱، صص ۵۹-۷۱.
۲۸. مقصودی، رضا. (۱۳۹۵). *صلاحیت افراطی در تعارض دادگاه‌ها*. فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۶، شماره ۲، صص ۳۲۵-۳۴۱.
۲۹. مقصودی، رضا. (۱۳۹۶). *صلاحیت قضایی در حقوق بین‌الملل خصوصی*. مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۳۴، شماره ۵۶، صص ۲۱۳-۲۳۴.
۳۰. مقصودی، رضا. (۱۳۹۷). *صلاحیت اضطراری در حقوق بین‌الملل خصوصی*. فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۱، شماره ۸۳، صص ۳۵-۶۱.
۳۱. مولایی، یوسف. (۱۳۷۵). *وابستگی متقابل حقوق بین‌الملل عمومی و حقوق بین‌الملل خصوصی در مسأله صلاحیت*. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره یک، شماره ۳۵، صص ۱۱۵-۱۳۴.
۳۲. نظریان، نیلوفر. (۱۳۹۹). *رویکردهای نوین در تعیین دادگاه صلاحیت‌دار در دعوی مالکیت فکری در حقوق بین‌الملل خصوصی*. مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۴۲، صص ۸۱-۹۴.
۳۳. نوشادی، ابراهیم؛ و حجت‌زاده، علیرضا. (۱۳۹۰). *اعتبار حقوقی شرط‌گزینش دادگاه در قراردادهای الکترونیکی*. برنامه ریزی و بودجه، سال شانزدهم، شماره ۳، صص ۶۹-۸۴.

۳۴. نوشادی، ابراهیم؛ و باقری، محمود. (۱۳۹۶). *چالش‌های تعیین صلاحیت قضایی و قانون حاکم بر قراردادهای الکترونیکی بین‌المللی*. مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۱، شماره ۱۰۰، صص ۲۲۷-۲۴۲.

۳۵. هاشم‌الحسینی، بهار. (۱۳۹۲). *انتخاب دادگاه صالح توسط طرفین در حقوق بین‌الملل خصوصی* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

(ب) انگلیسی

1. Alghanim, Bashayer. (2020). *The enforcement of foreign judgments in Kuwait*. Journal of Private International Law, Vol. 16, Issue 3, pp. 493-518.
2. Audit, Bernard. (2008). *Observations sur la convention de La Haye du 30 juin 2005 relative aux accords d'élection de for*. In J.-P. Ancel & J. Basedow (eds.), (J.-P. Ancel & J. Basedow, eds.), *Vers de nouveaux équilibres entre ordres juridiques: liber amicorum Hélène Gaudemet-Tallon* (pp. 171-188). Dalloz.
3. Brand, Ronald A. (2007). *Forum non conveniens: history, global practice, and future under the Hague Convention on Choice of Court Agreements*. Oxford University Press.
4. Brand, Ronald A.; & Herrup, Paul. (2008). *The 2005 Hague Convention on Choice of Court Agreements: commentary and documents*. Cambridge University Press.
5. Brand, Ronald A. (2014). *Transaction planning using rules on jurisdiction and the recognition and enforcement of judgments*. Koninklijke Brill NV.
6. Briggs, Adrian. (2008). *Agreements on jurisdiction and choice of law*. Oxford University Press.
7. Briggs, Adrian. (2015). *Civil jurisdiction and judgments (Sixth edition)*. Informa Law from Routledge.

8. Calster, Geert van. (2016). *European private international law (Second edition)*. Hart Publishing.
9. Carr, Indira; & Kidner, Richard. (2003). *Statutes and conventions on international trade law (4th ed)*. Cavendish.
10. Carr, Indira; & Stone, Peter. (2014). *International trade law (Fifth edition)*. Routledge.
11. Clarke, Malcolm A.; & Yates, David. (2008). *Contracts of carriage by land and air (2. ed)*. Informa.
12. Clarke, Malcolm A. (2010). *Contracts of carriage by air (2nd ed)*. Lloyd's List.
13. Collier, John G. (2001). *Conflict of laws (3rd ed)*. Cambridge University Press.
14. Cuniberti, Gilles. (2017). *Conflict of laws: a comparative approach: text and cases*. Edward Elgar Publishing.
15. Dickinson, Andrew; Lein, Eva; & James, Andrew (eds.). (2015). *The Brussels I Regulation recast* (First edition). Oxford University Press.
16. Fernández, Jonatan Echebarria. (2021). *Jurisdiction and arbitration agreements in contracts for the carriage of goods by sea: limitations on party autonomy*. Informa Law from Routledge
17. Garcimartin, Francisco; & Saumier, Geneviève. (2020). *Explanatory Report on the Convention of 2 July 2019 on the Recognition and Enforcement of Foreign Judgments in Civil or Commercial Matters*. Hague Conference on Private International Law.
18. Goode, Royston Miles; McKendrick, Ewan; & Kronke, Herbert. (2015). *Transnational commercial law: text, cases, and materials* (Second edition). Oxford University Press.
19. Hartley, Trevor; & Dogauchi, Masato. (2006). *Explanatory Report on the 2005 HCCH Choice of Court Agreements Convention*. Hague conference on private international law.

20. Hartley, Trevor C. (2009). *International commercial litigation: text, cases*, and materials on private international law. Cambridge University Press.
21. Hartley, Trevor C. (2013). *Choice-of-court agreements under the European and International Instruments: the Revised Brussels I Regulation*, the Lugano Convention, and the Hague Convention. Oxford University Press.
22. Hartley, Trevor C. (2017). *Civil jurisdiction and judgments in Europe: the Brussels I regulation*, the Lugano Convention, and the Hague Choice of Court Convention (First edition). Oxford University Press.
23. Hill, Jonathan. (2003). *The Exercise of Jurisdiction in Private International Law*. In P. Capps, M. D. Evans, & S. V. Konstadinidis (eds.), (P. Capps, M. D. Evans, & S. V. Konstadinidis, eds.), Asserting jurisdiction: international and European legal perspectives (pp. 31-62). Hart Pub.
24. Hoeks, Marian. (2010). Multimodal transport law: the law applicable to the multimodal contract for the carriage of goods..
25. Jueptner, Eva. (2020). *The Hague Jurisdiction Project – what options for The Hague Conference?* Journal of Private International Law, 16(2), 247-274.
26. Karayanidi, Milana. (2020). *Rethinking judicial jurisdiction in private international law: party autonomy*, categorical equality and sovereignty. Hart.
27. Keyes, Mary (ed.). (2020). *Optional Choice of Court Agreements in Private International Law (Vol. 37)*. Springer International Publishing.
28. Kiestra, Louwrens. (2014). *The impact of the European convention on human rights on private international law*. Springer.
29. Lith, Hélène van. (2009). *International jurisdiction and commercial litigation: uniform rules for contract disputes*. TMC Asser Press ; Distributed exclusively by Cambridge University Press.

30. Lowenfeld, Andreas F. (1996). *International litigation and the quest for reasonableness: essays in private international law*. Clarendon Press ; Oxford University Press.
31. Mills, Alex. (2009). *The confluence of public and private international law: justice, pluralism and subsidiarity in the international constitutional ordering of private law*. Cambridge University Press.
32. Mills, Alex. (2018). *Party Autonomy in Private International Law (1st ed.)*. Cambridge University Press.
33. Mukarrum, Ahmed. (2017). *The nature and enforcement of choice of court agreements: a comparative study*. Hart Publishing.
34. Nasser, Kurosh. (1988). *The Multimodal Convention*. Journal of Maritime Law and Commerce, 19 (2), 231-260.
35. Nishitani, Yuko. (2016). *Party Autonomy in Contemporary Private International Law* — The Hague Principles on Choice of Law and East Asia. Japanese Yearbook of International Law, 59, 300-344.
36. Nygh, Peter. (1999). *Autonomy in international contracts*. Clarendon Press.
37. O'Brien, John; & Smith, Raymond. (1999). *Conflict of laws (2nd ed)*. Cavendish.
38. Rink, Gerd. (1962). *Damge Caused by Foreing Aircraft to Third Parties*. Journal of Law Commerce, Vol. 28, 405-417.
39. Schmon, Christoph. (2020). *The Interconnection of the EU Regulations Brussels I Recast and Rome I*. Jurisdiction and Law. T.M.C. Asser Press.
40. Schulz, Andrea. (2006). *The Hague Convention of 30 June 2005 on Choice of Court Agreements*. Journal of Private International Law, 2(2), 243-286.

41. Sparka, Felix. (2010). *Jurisdiction and arbitration clauses in maritime transport documents: a comparative analysis*. Springer.
42. Tang, Zheng Sophia. (2014). *Jurisdiction and arbitration agreements in international commercial law*. Routledge.
43. Tang, Zheng Sophia. (2017). *Cross-border Contract Litigation in EU*. In Cross-Border Litigation in Europe (pp. 623-638). Hart Publishing.
44. Talpis, Jeffrey; & Krnjevic, Nick. (2006). *The Hague Convention on Choice of Court Agreements of June 30, 2005: The Elephant that Gave Birth to a Mouse*. Southwestern Journal of Law and Trade in the Americas, Vol. 13(Issue 1), 1-35.
45. Thiele, Christian. (2007). *The Hague Convention on Choice-of-Court Agreements: Was It Worth the Effort? In E. Gottschalk, R. Michaels, G. Ruhl, & J. von Hein (eds.), (E. Gottschalk, R. Michaels, G. Ruhl, & J. von Hein, eds.), Conflict of Laws in a Globalized World (pp. 63-88)*. Cambridge University Press.
46. Von Mehren, Arthur Taylor; & Gottschalk, Eckart. (2007). *Adjudicatory authority in private international law: a comparative study*. Martinus Nijhoff Publishers.
47. Watt, Horatia Muir. (2010). “*Party Autonomy*” in *international contracts: from the makings of a myth to the requirements of global governance*. European Review of Contract Law, 6(3).
48. Zhao, Yun. (2005). *Dispute resolution in electronic commerce*. Martinus Nijhoff Publishers.
49. Zhao, Liang. (2019). *Party autonomy in choice of court and jurisdiction over foreign-related commercial and maritime disputes in China*. Journal of Private International Law, 15 (3), 541-574.